

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۴

بزه دیده‌شناسی زنان در جنگ

نویسنده: دکتر نادر نوروزی*

چکیده

انجام قربانی یکی از شیوه‌های قدیمی ادیان غیر توحیدی برای جلب رضایت معبود خودشان بوده است. قربانی در گذر زمان مورد توجه بوده و از حیوان به انسان رسیده است. بطوریکه بشر برای فرار از مصیبت، قربانی را انجام می‌دهد. ولی امروزه قربانی تنها به کسی که کشته می‌شود نمی‌گویند بلکه به افرادی که دچار ضرر و زیان از حادثه یا اتفاقی می‌گردند قربانی گفته می‌شود.

مهمترین شکل قربانی در قرن حاضر، قربانیان یا صدمه دیدگان از جنگها می‌باشند. مهمترین این قربانیان آسیب پذیرترین افراد یعنی کودکان و زنان هستند. خصوصاً زنان به عنوان اصلی‌ترین بزه دیدگان در جنگ به حساب می‌آیند زیرا که بیشترین آسیب‌های جنسی و روانی را این قشر در جنگها بدوش می‌کشند. این مقاله با استناد به حوادث و اتفاقاتی که در جنگهای رواندا و بوسنی رخ داده به شرح و بسط این مساله می‌پردازد و در آخر نیز طرح کلی حمایت از این زنان را ارایه می‌دهد.

کلید واژگان

بزه دیده - جنگ، زنان - آسیب اجتماعی - قربانی

*استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

واژه قربانی ریشه کهن دارد و به متون مذهبی برمی گردد. مقصود از قربانی در متون مذاهب غیرتوحیدی اولیه، موجود زنده‌ای است که برای رضایت خدایان و خشنودی آنان یا طلب کمک از آنها فدا می‌شد، قربانی ممکن بود حیوان یا انسان، مانند برده‌ها، اسرای جنگی یا حتی فردی از اعضاء یک قبیله باشد. برای قربانیان نشانه‌ها و ویژگی‌های خاصی در مذاهب ذکر شده بود، قربانی طی آیین و تشریفات خاصی صورت می‌گرفت. بعدها مفهوم قربانی استحاله شد و از فدا کردن جان، طی مراسم خاص برای رضایت خدا یا خدایان، تبدیل به از دست دادن جان در اثر واقعه یا حادثه یا یک جنایت شد. آنچه از مفهوم اولیه قربانی باقی مانده جان دادن یا وارد شدن جراحت و زخم بود. بعدها باز هم مفهوم این واژه گسترش پیدا کرد و دایره شمول آن از صدمات جسمانی فراتر رفت و به ضایعات روانی و زیان‌های حیثیتی نیز تسری پیدا کرد.

امروزه مفهوم تغییر یافته و در واقع نوعی زیان دیدگی و ترجیحاً زیان دیده‌گی شدید، غیرقابل جبران را به ذهن القاء می‌کند و نه تنها شامل صدمات جسمانی می‌شود، بلکه صدمات روانی، حیثیتی و حتی مالی را در بر می‌گیرد. در واقع مفهوم قدیمی قربانی، یعنی تقدیم جان به خدایان توأم با خواست جمعی و احساس مذهبی و برای اجابت خواسته‌ها، تبدیل شد به تلف جان یا صدمات دیگر که بصورت ناخواسته حادث می‌شود و توأم با نفی جامعه و نوعی حس دلسوزی است.

در حال حاضر قربانی کردن جز در موارد معدودی مطرح نیست و قربانی شدن نه تنها مقدس محسوب نمی‌شود، بلکه در پی یک فاجعه طبیعی یا جنایت یا حادثه ناگوار صورت می‌گیرد.

اما اصطلاح قربانی که برگردان کلمه انگلیسی (Victim) است در سالهای اخیر در متون روزنامه‌ای برای جنایات زیاد بکار می‌رفت، کم‌کم این اصطلاح وارد علم جرم‌شناسی شد. جرم‌شناس که در آغاز به خصوصیات و واکنشهای مرتکب جرم؛ یعنی؛ مجرم توجه داشت در دههای اخیر توجه خود را معطوف طرف مقابل او؛ یعنی؛ قربانی جرم نمود، چون برای مرتکب جرم از واژه بزه‌کار استفاده می‌شد در ترجمه متون جرم‌شناسی برای کلمه (Victim) کلمه «بزه‌دیده» را انتخاب کردند که تنها قربانیان جرائم را شامل می‌شود. توجه به بزه دیده و نقش او در شکل‌گیری جرم و ویژگی‌های خاص بزه‌دیدگان؛ سبب شد رشته جدیدی از مطالعات جرم‌شناسی تحت عنوان بزه دیده‌شناسی آغاز بکار نماید. رفته رفته حقوق قربانیان جرائم و حوادث طبیعی نیز مورد توجه قرار گرفت و گروههایی برای حمایت از بزه‌دیدگان تشکیل و شروع به فعالیت نمود. حرکتهای دفاع از حقوق قربانیان نه تنها بزه‌دیدگان و قربانیان جرائم را مدنظر قرار داد، بلکه قربانیان حوادث طبیعی و جنگ‌ها را نیز مورد توجه قرار دادند.

گروهی از قربانیان جنگ‌ها در واقع قربانی جنایات جنگی و اعمال غیرانسانی هستند که امروزه در حقوق جزای بین‌الملل جرم تلقی شده‌اند. این دسته را می‌توان بزه‌دیدگان جنایات جنگی قلمداد کرد.

درخصوص قربانیان جنگ تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه شده، مثل تقسیم بندی افراد به نظامی و غیرنظامی، تقسیم بندی افراد براساس سن، کودکان و افراد بزرگسال. یکی از اقسام مهم این دسته بندی نیز تقسیم‌بندی قربانیان به زنان و مردان است. تفاوت‌های بارز جسمانی، روانی و موقعیتی زنان و مردان در جنگ سبب می‌شود گروهی از قربانیان جنگ یعنی زنان دارای شرایط خاص باشند که آنها را از سایرین متمایز می‌کند.

میزان دخالت زنان در جنگ، نقش زنان در عرصه جنگ، ویژگی‌های اجتماعی آنان و ساختار جسمانی و روانی آنها این تفاوت را آشکار می‌کند.

در این نگاشته در پی آنیم تا نگاهی گذرا بر ابعاد بزه‌دیدگی زنان در جنگ داشته باشیم و نهایتاً یک طرح کلی جهت حمایت از حقوق زنان قربانی جنگ ارائه دهیم، لذا موضوع را در سه مبحث پی‌می‌گیریم.

الف- زنان بعنوان بزه‌دیدگان جنایات جنگی

در طول تاریخ زنان، یکی از گروه‌های قربانیان جنگ بوده‌اند و یکی از اهداف ارتش دشمن در کنار دست‌یابی به اموال و غنایم، دست‌یابی به زنان بوده است. در پی تصرف شهرها و کشورها توسط ارتش‌های مهاجم معمولاً زنان به بردگی گرفته شده و توسط سربازان مورد سوء استفاده قرار می‌گرفتند و سپس در بازارهای برده‌فروشی فروخته می‌شدند. در ادوار گذشته این موضوع نه تنها جنایت محسوب نمی‌شد بلکه حق مسلم ارتش غالب و از رسوم جنگ بود. اصولاً یکی از روش‌های تأمین کتیز برای عرضه به بازارهای برده‌فروشی حمله به قبایل و شهرها و ربودن زنان بود. تاریخ جنگ‌های جهان شاهد این موضوع است در واقع دست‌یابی به زنان برای سربازان ارتش مهاجم انگیزه‌ای قوی برای حمله و غلبه بر مدافعین ایجاد می‌کرد. در مقابل دفاع از خانواده و ناموس نیز انگیزه قوی مدافعین بود و لذا نقش انگیزشی زنان در جنگ قابل تأمل است، اقدامات مذکور علیه زنان متعلق به ادوار گذشته تاریخ یا قرون دور نیست، بلکه در قرن بیستم نیز چنین اقداماتی انجام شده است. در جنگ‌های بزرگ نظیر جنگ دوم جهانی، مستندات تاریخی نشانگر اقدامات وحشیانه ارتش‌های هر دو طرف متخاصم علیه زنان کشورهای اشغال شده است و این روند ادامه داشته و حتی امروزه نیز که مدعیان حقوق بشر در خصوص رعایت حقوق انسانها به ویژه زنان

و کودکان منشور تدوین کرده‌اند، کنوانسیونهای بین‌المللی متعددی به تصویب رسیده عملاً مفاد این معاهدات بین‌المللی توسط منادیان و مدعیان حقوق بشر و ارتشهای آنها نقض می‌شود. نگاهی به جنایات انجام شده در جنگ ویتنام، فجایع رژیم اشغالگر قدس در فلسطین، اعمال وحشیانه انجام شده در بوسنی، عراق و افغانستان عمق فاجعه را نشان می‌دهد. این مسایل سبب گردید تا حقداندان برخی کشورها به موضوع جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت توجه نمایند. در واقع اطلاع مردم از فجایعی که در جنگ‌ها انجام شده و فشار افکار عمومی، سبب شد تا توجه محافل حقوق و بین‌المللی به این موضوعات جلب شود.

به منظور آشنایی با نحوه تدوین منابع بین‌المللی مربوط به جرم‌انگاری، جرائمی که در خلال حمله‌های نظامی و جنگ‌ها اتفاق می‌افتد بخشی از آنها خاص زنان است، اشاره‌ای کوتاه به این موضوع ضروری است. «بررسی‌ها نشان می‌دهد در فاصله بین سالهای ۱۸۱۵ تا ماه می ۱۹۹۶ تعداد ۳۱۵ معاهده و سند بین‌المللی تنظیم شده‌اند که در آنها به ۲۴ جرم بین‌المللی اشاره شده است» از جمله مهمترین جرائم این گروه، جرائم جنگی، نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت هستند که برخی از آنها مستقیماً و بطور خاص علیه زنان صورت می‌گیرد. دولتهای جهان وظیفه دارند این اعمال را جرم شناخته و متهمان را تعقیب و عندالاقضاء مجازات کنند و یا به سایر کشورها مسترد نمایند. آنها باید در راستای اجرای این تعهدات با کشورهای دیگر همکاری داشته باشند.

بررسی این جرائم حاکی از برخورداری آنان از یکی از خصیصه‌های زیر است:

۱- برخورداری از ویژگی بین‌المللی به این معنی که :

۱/۱- رفتار مورد بحث مشتمل بر یک تهدید مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به صلح و امنیت جامعه بین‌المللی است.

۱/۲- رفتار مورد بحث علیه ارزش‌های مشترک بشری ارتکاب یافته و موجب جریحه دار شدن وجدان جمعی بشر می‌گردد.

۲- برخورداری از ویژگی فراملی به این معنی که:

۲/۱- رفتار بر امنیت ملی و منافع اقتصادی بیش از یک کشور اثر منفی دارد.

۲/۲- رفتار مجرمانه بر اتباع بیش از یک کشور که بعنوان مجرم یا قربانی در جرم دخیل هستند، یا اینکه رفتار مورد بحث از محدوده مرزهای ملی فراتر می‌رود.

۳- جرم ارتكابی نشانگر سیاست یا رویه یک دولت است و بدون مساعدت دولت قابل ارتكاب نیست و بدین ترتیب جلوگیری از آن نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است:

۳/۱- جرائم ارتكابی بعنوان بخشی از رویه یا سیاست دولت توسط مأمورین دولت یا نمایندگان آنها مرتکب می‌شوند.

۳/۲- این رویه یا سیاست مبتنی بر تبعیض یا اذیت و آزار جمعی از مردم

است (میرمحمد صادقی- ۱۳۷۷) *فصلنامه مطالعات فرهنگی*

مهمترین سند بین‌المللی که جرائم فوق در آن تعریف شده اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. در ماده ۷ این اساسنامه آمده است: «منظور از جنایات ضدبشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و وبا علم به آن انجام می‌گیرد.

۱- قتل

۲- به بردگی گرفتن

۳- تبعید یا کوچ اجباری

۴- حبس کردن برخلاف ضوابط قانونی

۵- تجاوز جنسی

۶- فحش‌ای اجباری

۷- حاملگی اجباری

۸- عقیم کردن اجباری

جرائم ذکر شده در صورتی قابل تعقیب است که بصورت حمله گسترده و یا سازمان یافته و سیستماتیک و با علم و آگاهی انجام گیرد، همانند اقداماتی که جنایتکاران صرب در بوسنی و هرزگوین و رژیم اشغالگر قدس در فلسطین و سوریه و جنوب لبنان و طالبان در افغانستان انجام داده‌اند (دیوان کیفری، ۱۳۷۹).

روشن است بندهای ۵ و ۶ و ۷ و ۸ این ماده مختص جرائم علیه زنان است، گرچه امکان ارتکاب جرائم بندهای ۵ و ۸ در خصوص مردان نیز امکان ارتکاب وجود دارد اما موارد انجام شده عمدتاً مربوط زنان بوده است. در مورد عناوین مجرمانه که در این ماده آمده است لازم است به تعریف بعضی از آنها اشاره شود.

- منظور از حاملگی اجباری (در بند ۷) اقداماتی است که صربها در مناطقی از یوگسلاوی سابق، برای برهم زدن تعادل جمعیت، انجام می‌دادند و زنان مسلمان را به اسارت می‌گرفتند و آنها را در اردوگاهها نگهداری می‌کردند بصورتیکه با تجاوز به آنها تا اطمینان از حامله شدنشان تا وضع حمل و بدنیا آمدن فرزند، آنها را کنترل کرده و به اجبار زنان را وادار به نگهداری از فرزند می‌کردند. و فرزند بدنیا آمده را بعنوان یک صرب در آمار و ارقام ثبت نموده تا

بتوانند از امتیازات قومی استفاده کنند. در حقیقت زنان مسلمان را به اجبار برای برهم زدن تعادل جمعیت مورد تعرض قرار داده و به زور آنها را وادار به حاملگی اجباری می‌کردند.

- فحشای اجباری، یعنی ربودن زنان و دختران و اجبار آنها به فحشا، قاچاقچیان زنان از این راه منافع زیادی کسب می‌کنند.

برای آشنایی بیشتر با این مفاهیم و سایر موارد مطروحه در این ماده به ذکر نمونه‌هایی از وقایعی که در جنگهای مختلف اتفاق افتاده می‌پردازیم.

در اثنای جنگ‌های بنگلادش و پاکستان حدود ۲۰۰/۰۰۰ زن و دختر توسط سربازان پاکستانی مورد تجاوز قرار گرفتند. در جریان نبردهای داخلی سومالی در سال ۱۹۹۱ تجاوز جنسی از سوی گروههای درگیر به کرات صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۲ توسط قوای امنیتی هندوستان در جامور کشمیر به ۸۸۲ زن تجاوز شد. در میانمار (برمه) در سال ۱۹۹۲، قوای دولتی زنان یک دهکده مسلمان نشین را پس از اعزام مردان به اردوگاههای کار اجباری مورد تجاوز قرار دادند. رژیم در زمان رژیم نظامی در هائیتی، حکومت ژنرال پائول سدراس^۱، از تجاوز به عنوان ابزاری جهت سرکوب زنان مبارز یا خویشاوندان زنان مبارز استفاده می‌کردند.

برخی از متفکران حقوق بشر معتقدند تاکنون جامعه بین‌المللی توجه لازم را نسبت به جلوگیری از این جرم معمول نکرده است، بخشی از این بی‌توجهی ناشی از آن است که حقوق بشر دوستانه بین‌المللی این جرم را صرفاً جرم علیه حیثیت و شرافت زن، و نه یک خشونت جسمانی علیه وی، محسوب کرده‌اند.

بنابراین آن را کم اهمیت تر از اعمالی چون شکنجه دانسته اند. این برخورد در ماده ۲۷ کنوانسیون ژنو مشاهده می‌شود این در حالی است که هم اعلامیه و دستورالعمل وین که از سوی کنفرانس جهانی حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۳ صادر شد و هم اعلامیه و دستورالعمل پکن، در سپتامبر ۱۹۹۵ که از سوی چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد، در مورد زنان صادر شد بر لزوم مبارزه یا ارتکاب خشونت‌های جنسی تاکید دارند.

با انجام عمل تجاوز علاوه بر تحقیر زن، گروه و جامعه ای که وی به آن تعلق دارد (اعم از این که وابسته به یک گروه مذهبی یا نژادی یا ملی باشد) نیز تحقیر می‌شود. معمولاً در جنگ‌ها طرف پیروز بیش از طرف شکست خورده دست به این عمل می‌زند و آن را یکی از نمادهای پیروزی خود تلقی می‌کند.

زنانی که در معرض چنین قربانی قرار می‌گیرند، علاوه بر مشکلات حاد روانی گاهی به بیماریهایی جنون، ایدز و بیماریهای مقاربتی نیز دچار شده و فرزندان ناخواسته به دنیا می‌آورند بطوریکه تعداد این نوع فرزندان در رواندا از ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تخمین زده می‌شود. تعدادی از زنان پس از تولد نوزاد، او را به قتل رسانده و برخی نیز با نگهداشتن نوزاد، موجب بروز مشکلات و اختلاف در خانواده ها شده‌اند به علاوه با توجه به کشته شدن شوهران یا پدران این زنان بسیاری از آنها، توان تامین هزینه نگهداری این گونه کودکان که «کودکان ناخواسته» یا «بچه‌های نفرت» و یا «کودکان خاطرات تلخ» نام برده می‌شوند برای مادرانشان بسیار سخت است.

ارتکاب جرائم جنسی علیه زنان نیز مانند سایر جرائم ارتكابی در رواندا مسبوق به تحریکات و مقدمه‌چینی وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً ایستگاه

رادیویی RTLM بود. این تبلیغات بر روی مردم عادی، ارتشی‌ها و شبه نظامیان هوتو (گروه مخاصم و اشغالگر در روندا) کاملاً اثر گذاشته بود به طوری که میل به ارضای غریزه جنسی همراه با نفرت از زنان توتسی (گروه مقابل افراد هوتو) آنان را به ارتکاب تجاوز جنسی در نسل کشی (۱۹۹۴) ترغیب می‌کرد. تعداد دقیق تجاوزات جنسی انجام شده به دلیل شرم یا ترس قربانیان از بازگو کردن حقایق، مشخص نیست ولی برخی از ناظران گفته‌اند تقریباً تمام زنان و دخترانی که از نسل کشی جان سالم به در برده بودند مورد تجاوز قرار گرفتند، سن دختران و زنان مورد تجاوز از ۲ سال تا ۵۰ سال در نوسان بوده ولی اکثر تجاوزات علیه زنان و دختران جوان بین ۱۶ تا ۲۶ سال انجام گرفته است. بررسی‌هایی که در مورد ۳۰۴ قربانی تجاوز در روندا از سوی «وزارت امور خانواده و بهبود وضع زنان» با همکاری یونیسف، انجام گرفته است نشان می‌دهد متوسط سن قربانیان تجاوز ۲۴ سال بوده است. از میان این قربانیان ۲۸ درصد زیر ۱۸ سال ۴۳/۷۵ درصد بین ۱۹ و ۲۶ سال ۱۷/۱ درصد بین ۲۷ و ۳۵ سال و ۸/۵۵ درصد بین ۳۶ و ۴۵ سال و ۱/۶ درصد بالاتر از ۴۵ سال سن داشته‌اند. ۷ درصد از سئوال شنوندگان نیز پاسخی نداده‌اند، از میان این افراد ۶۳/۸ درصد زنان جوان و مجرد بوده‌اند.

تنها تلاش جدی برای تخمین کل قربانیان تجاوز در مورد رواندا توسط گزارشگر سازمان ملل متحد با استفاده از تعداد حاملگی‌های گزارش شده انجام گرفته است وی اظهار می‌دارد:

«تجاوز قاعده و عدم آن استثنا بوده است به موجب آمار هر ۱۰۰ تجاوز باعث یک فقره حاملگی می‌شود هرگاه این اصل را با پائین ترین رقم منظور نمائیم

(میزان حاملگی‌های حاصله ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تخمین زده شده است به رقم حداقل ۲۵۰/۰۰۰ و حداکثر ۵۰۰/۰۰۰ مورد تجاوز خواهیم رسید).

در رواندا خشونت جنسی علیه زنان اشکال گوناگونی داشته است، تجاوزات فردی یا دسته جمعی از سوی نظامیان یا شبه نظامیان (گروه اخیر عمدتاً از جوانان محروم، بیکار و بی‌خانمان تشکیل شده بود) با توجه به وضعیت اجتماعی‌شان، غارت اموال مردم و تجاوز به زنانی که آنها را قدرتمندتر و ثروتمندتر از خود می‌یافتند، حس انتقامجویی آنها را نیز ارضاء کرده و عقده حقارتی که احساس می‌کردند تسکین می‌بخشید. بردگی جنسی یا ازدواج اجباری و مثله کردن اعضاء بدن آنچنان به شکل وحشیانه‌ای انجام می‌گرفت که بسیاری از قربانیان از متجاوزان درخواست می‌کردند که آنها را به قتل برسانند تا از شکنجه و عذاب رهایی یابند.

درست‌طور زیر به ذکر برخی از نمونه گزارشاتی که از مصاحبه‌های سازمان دیده بان حقوق بشر اقتباس شده‌اند می‌پردازیم:

زنی که در زمان شروع نسل‌کشی ۳۳ ساله بوده اظهار می‌دارد وقتی همراه شوهر و هفت فرزندش در مزارع قهوه پنهان شده بودند در ۱۲ آوریل ۱۹۹۴ شبه نظامیان که نزدیک به ۵۰ نفر و مسلح بودند، آنها را پیدا می‌کنند، وی می‌افزاید، روز بعد، آنها تمام مردان و پسران را کشتند و من به همراه نوزاد و سه دخترم باقی ماندیم، شش تن از آنها یکی بعد از دیگری به من تجاوز کردند، من تمام آنها را می‌شناختم برخی از آنها بعدها توسط جبهه میهنی کشته شدند و بعضی در زندان بسر می‌برند، پس از اتمام تجاوز مرا به داخل رودخانه انداختند تا به همراه فرزندانم غرق شویم. همه فرزندانم مردند ولی جریان آب مرا به کنار رودخانه

بازگرداند. من سعی کردم به دهکده دیگری بروم ولی در بین راه به وسیله یک گروه دیگر از شبه نظامیان دستگیر شدم آنان نیز به کرات به من تجاوز کردند پس از جنگ متوجه شدم که حامله‌ام ولی بچه را مرده به دنیا آوردم».

زن ۳۸ ساله دیگری که پس از حمله آوریل ۱۹۹۴ به دست شبه نظامیان افتاد، آنان او را کتک زدند و سپس با گرفتن دستها و پاهایش وی را به هوا پرتاب می کردند به طوری که بر روی بطری‌های شکسته که روی زمین شکسته شده بود می افتاد و بعد او را مورد تجاوز قرار دادند وی تجربه خود را این طور بیان می کند: « تجاوز از مرگ بدتر است».

بردگی جنسی در جنگ روندا این گونه بود که تعداد بسیاری از زنان توسط گروهی از شبه نظامیان نگهداری می شدند و به دفعات مورد تجاوز قرار می گرفتند. برخی از زنان حتی بعد از دخالت جبهه میهنی و فرار مجرمان به کشورهای همسایه، به اجبار به آن کشورها برده شدند.

یکی از زنان که با تعدادی زن دیگر در شرایط بردگی جنسی به سر می برد در حالی که تمام اعضاء خانواده اش را کشته بودند، به همراه تعداد دیگری از زنان و مردان توتسی به خانه‌ای برده می شود در آنجا مردان به قتل رسیدند و به زنان دستور داده شد اجساد همسرانشان را دفن کنند، این زن اظهار می دارد: «ما در یک صبح شنبه اجساد تمام مردان که بالغ بر صدها نفر می شدند را دفن کردیم. او پس از اینکه به همراه ۲۰۰ نفر زن دیگر به محلهای دیگری برده شد در بین راه مورد تجاوز و آزار و اذیت فراوان قرار گرفته‌اند، می افزاید: «وقتی به مقصد رسیدیم لباسهای ما را بیرون آورده و تمام ما را در یک محوطه بزرگ نشاندهند شبها با مشعل می آمدند و زنهای زیبا را جدا می کردند، بار اول شش زن را بردند

که هر یک به وسیله پنج شبه نظامی مورد تجاوز قرار گرفتند در طول شب این کار تکرار می‌شد وقتی من را انتخاب کردند به آنها التماس کردم «لطفاً مرا بکشید» ولی آنها به درخواست‌های من توجهی نکردند و توسط سه مرد مورد تجاوز قرار گرفتم. روز بعد تمام زنان مجبور شدند برهنه در جاده به حرکت درآیند درست مثل یک گله از حیوانات، در برخی مناطق شبه نظامیان دیگر که به ما برخورد می‌کردند فریاد می‌زدند آنها را بکشید آنها بچه‌های «تونسی به دنیا خواهند آورد». شبه نظامیانی که ما را در اختیار داشتند پاسخ می‌دادند بعداً ما را خواهند کشت. در این حال سراپا غرق خون بودیم و بدنمان از شدت کثیفی بو می‌داد در عین حال مجبور می‌شدیم سرودهای شبه نظامیان را بخوانیم و به راه رفتن ادامه دهیم. زمان که به مقصد رسیدیم تنها ۳۰ زن زنده مانده بودند. که در مکانی نگهداری شده و در موارد متعددی مورد تجاوز قرار می‌گرفتند.

بعضی از این زنان توسط افراد شبه نظامی درخانه‌هایی نگهداری شده و مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گرفتند در زبان محلی این زنان را «زنان سقف» می‌نامیدند زیرا گاهی در محوطه بین سقف و بام نگهداری می‌شدند تا از دید سایرین پنهان بمانند. هر چند این ترتیبات گاهی «ازدواج اجباری» و زنان نیز «همسر» نامیده می‌شدند ولی وضع آنها هیچ تشابهی با ازدواج‌های معمولی نداشت چون این زنان بدون رضایت خود نگهداری می‌شدند و تمام اموالشان هم غارت می‌شد. کابوس این زنان هنوز هم پایان نیافته است، پس از بازگشت نیروهای خودی به همکاری با دشمن متهم شدند.

در مواردی نیز زنان و دختران از سوی رهبران شبه نظامی به عنوان جایزه «ازدواج» به شبه نظامیانی که وظایف خود را بهتر انجام داده بودند و تعداد بیشتری از افراد دشمن را کشته بودند، در می‌آمدند و مجبور به زندگی با آنها

می‌شدند یکی از دخترانی که به همراه سه دختر عمو و خواهرش، پس از کشته شدن اقوامشان، گرفتار شبه نظامیان شدند در اظهاراتش به مامورین سازمان دیده بان حقوق بشر گفته وقتی به عنوان همسر در اختیار یکی از شبه نظامیان بوده است، کسانی که به آن خانه رفت و آمد کرده و حرفهایی از قبیل اینکه فلان دختر خیلی مغرور بود ما هم به او تجاوز کرده و سپس او را کشتیم می‌زدند. آنها در مورد دریدن شکم یک زن حامله برای اینکه وضعیت جنین داخل شکم را ببینند سخن می‌گفتند.

در بسیاری از موارد تجاوز به زنان با اعمال وحشیانه دیگری از قبیل بیرون کشیدن جنین از شکم، بریدن سینه‌ها، بریدن و شکافتن لگن خاصره و بریدن اعضاء تناسلی همراه بوده است.

متجاوزین در برخی از مواقع اعضای بدن را که مشخصه توتسی‌ها محسوب می‌شد مانند بینی باریک و انگشتان بلند، را می‌بریدند، تعدادی از قربانیان یک یا چند انگشت یا بند انگشت یا بینی خود را به این ترتیب از دست داده اند. این فجایع صرفاً مختص روندا نبوده است.

در تابستان ۱۹۹۲ چند ماه پس از آغاز جنگ‌های بوسنی، اولین گزارشها در مورد ارتکاب جرائم علیه بشریت و مخصوصاً "جرائم جنسی توسط صربها علیه سایرین و به ویژه مسلمانان به گوش رسید. منشاء این اخبار مطبوعات رادیو و تلویزیونها بودند ولی دولتهای بزرگ با بی‌تفاوتی از کنار این مسائل می‌گذشتند. یکی از اقسام عمده این جرائم یا خشونت جنسی با هدف نسل‌کشی بود. جرم خشونت جنسی می‌تواند با هدف نسل‌کشی انجام گیرد و تحت این عنوان نیز تعقیب شود. این عمل باعث می‌شود زنان نتوانند به انجام وظایف خود در

خانواده پردازند و چه بسا از خانواده خود طرد شوند و در نتیجه بنیان خانواده به عنوان زیربنای جامعه متزلزل گشته و یا باعث شود که افراد و خانواده‌ها، از روی ترس محل سکونت خود را ترک کرده و در مناطق گوناگون پراکنده شوند، که همه اینها با هدف از بین بردن یک گروه دارای نژاد، مذهب یا ملیت خاص انجام می‌گیرد. مطابق کنوانسیون مصوب سال ۱۹۴۸ در صورتی می‌توان عملی را مصداق نسل کشی دانست که مرتکب با ارتکاب آن قصد از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه نژادی، مذهبی یا ملی را داشته باشد، این عمل هم از منازعات بین‌المللی و هم در جنگ‌های داخلی قابل ارتکاب است.

خشونت جنسی در بوسنی و هرزگوین عمدتاً در این راستا و به عنوان یک سیاست کلی جنگی مورد استفاده صربها قرار می‌گرفته است. هدف عمده آنها ترساندن مسلمانان و در نتیجه خالی شدن شهرها و دهکده‌ها از سوی مسلمانان و تحت تصرف قرار گرفتن آن مناطق توسط صربها بوده است. به همین دلیل از پخش هر چه بیشتر اخبار جرایم‌شان در نقاط مختلف بوسنی استقبال می‌کردند. شباهت جرائم جنسی ارتکاب یافته در نقاط مختلف و اظهارات قربانیان، متهمان و شهود این برداشت را تقویت می‌کند. در اینجا به ذکر برخی نمونه‌ها که نشانگر روش سازمان یافته و رویکرد تحقیر کننده صربها در این جنایات است اشاره می‌کنیم:

در برخی از موارد زنان نسبتاً سالخورده که از احترام و حرمتی در جامعه برخوردار بودند صرفاً برای اینکه تحقیر شوند، مورد تجاوز قرار می‌گرفتند. برای مثال در یک مورد صربها سه زن کاتولیک را که وکیل، پزشک و قاضی بودند به کرات مورد تجاوز قرار دادند. زن وکیل در اظهارات خود می‌گوید هر بار پس از تجاوز از من می‌پرسیدند آیا بالاخره خرد شده‌ام یا خیر؟ این زن به همراه ۳۲ زن

مسلمان و کروات دیگر که اکثراً متخصص بودند توسط صربها در اردوگاه نگهداری می‌شدند و به کرات مورد تجاوز قرار گرفتند و در این اردوگاه که در طی روز اسرای مرد مورد بازجویی و شکنجه قرار می‌گرفتند، شبها همین اتاقهای بازجویی برای تجاوز به زنان مورد استفاده قرار می‌گرفت. قبل از تجاوز به زنان آنان را مجبور به پاک کردن خون ناشی از شکنجه‌های روز از کف اتاقها می‌کردند، شبیه این اردوگاهها در بسیاری از مناطق و دهکده‌ها وجود داشت. طبق قرائن موجود ارتکاب اینگونه جرائم در جنگ بوسنی یک محصول فرعی جنگ یا ناشی از تمایلات جنسی مشتی سرباز شهوتران نبوده بلکه یک تاکتیک جنگی حساب شده. به دستور رهبران صرب، برای خالی کردن سرزمین بوسنی از سایر گروههای نژادی و به اصطلاح «پاک سازی نژادی» بوده است. بسیاری از قربانیان گزارش کرده‌اند، که سربازان متجاوز به آنها گفته‌اند که در اجرای دستورات به آنها تجاوز می‌کنند. برخی از زنان هم گزارش داده‌اند، سربازان به آنها گفته‌اند که مدعی شوند به آنها تجاوز شده است. هر چند این کار صورت نگرفته است.

ویژگی‌های بزه‌دیدگی زنان در جنگ

همانگونه که اشاره شد در مطالعات جرم‌شناسی نقش بزه دیده در تکوین جرم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که این نقش می‌تواند به علت رفتار یا اقدامات بزه دیده و یا به علت ویژگی‌های جسمانی، روانی یا اجتماعی باشد. این خصایص سبب می‌شود که مجرم فرد بزه دیده را انتخاب نموده و جرم را نسبت به وی مرتکب شود. جرائم خاص زنان نظیر ضرب و جرح و خشونت‌های خانوادگی و تجاوزهای جنسی، جسمانی زن و موقعیت‌های خاص خانوادگی نظیر همسر بودن، سکونت در محل زندگی شوهر، وابستگی اقتصادی و مواردی از این قبیل به عنوان عوامل بزه دیدگی خاص زنان قابل ذکر است.

در جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی که زنان آماج آن قرار گرفته‌اند نیز ویژگی‌های خاص زنان عامل تعیین‌کننده بوده است که می‌توان به مهمترین آنها بشرح زیر اشاره کرد:

۱- موقعیت و جایگاه خاص زنان به عنوان محور خانواده

همانگونه که در مثالهای مطرح شده نیز روشن است یکی از اهداف اصلی اقوام مهاجم از تجاوز به زنان و جراثمی مثل بردگی جنسی، ایجاد ترس در مناطق تصرف شده و نتیجتاً ترغیب به تخلیه این مناطق، کوچ اجباری و از هم پاشیدگی خانواده‌ها بوده است و برای دستیابی به اهداف مورد نظر و ایجاد یک فضای روانی ناامن بهترین هدف حملات دشمن به زنان بوده‌اند که محور خانواده‌ها محسوب می‌شوند.

۲- جایگاه خاص زنان از دیدگاه مذهبی، قومی و ملی

زنان از دیدگاه مذهبی، قومی و یا ملی بعنوان ناموس یک جامعه و مظهر تقدس و احترام محسوب می‌شوند. لذا یکی از شیوه‌های تحقیر قومی و مذهبی توهین و تحقیر زنان است، این کار موجب احساس خفت و خواری و سرخوردگی در تمام افراد جامعه بویژه مردان می‌شود. همانطور که در مثالها ذکر شده تجاوز به زنان و تحقیر آنان با هدف تحقیر قومی انجام می‌شود و در این راستا زنان مسن یا زنانی که در جامعه از احترام خاصی برخوردار هستند مورد تعرض، توهین و تحقیر قرار می‌گیرند.

۳- نقش زنان در تعادل جمعیت و تولید مثل

با توجه به نقش ویژه زنان در تولید مثل و نگهداری از اطفال، نیروهای مهاجم عمدتاً به منظور نسل‌کشی و برهم زدن تعادل جمعیتی اقوام به نابودی زنان یا

حاملگی اجباری اقدام می نمایند. این امر خصوصاً در مناقشات قومی مورد توجه است.

۴- نقش انگیزی زنان در ترغیب قوای مهاجم به تصرف مناطق مسکونی

یکی از عوامل بزه دیدگی ویژگی های ذاتی زن بودن است که سبب می شود نیروهای مهاجم به منظور دستیابی به زنان برای درهم شکستن مقاومت نیروهای مدافع تلاش نمایند. در ارتش هایی که انگیزه های معنوی و عقیدتی وجود ندارد یا ضعیف است، انگیزه های تحریکی نظیر این می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

تبعات بزه دیدگی زنان در جنگ

۱- صدمت شدید جسمانی

بسیاری از زنانی که در جنگ ها مورد تعرض و رفتارهای وحشیانه قرار گرفته اند در صورت زنده ماندن برای مابقی عمر دچار صدمات و ضایعات شدید جسمی شدند، فلج و ضعف اندام های حرکتی، دچار ایدز شدن و بیماری های مقاربتی، وجود زخم ها و بیماری های صعب العلاج از جمله صدمات جسمانی زنان بزه دیده از جرائم جنگی، از دست دادن قدرت تولید مثل و نقص های زیبایی را می توان به این موارد اضافه کرد.

۲- صدمات روحی

فشارهای روحی ناشی از تحقیر و شکنجه و تعرض نسبت به زنان، کشتن، شکنجه دادن همسران و فرزندان آنها در خلال جنایات جنگی موجب شده بسیاری از این زنان مبتلا به بیماری شدید روحی و افسردگی باشند.

۳- معضلات اجتماعی

بعضاً زنانی که مورد تعرض دشمن قرار گرفته اند یا مجبور به حاملگی اجباری

شده‌اند، پس از جنگ توسط خانواده‌ها طرد شده‌اند یا متهم به همکاری با دشمن شده‌اند و نه تنها از آنها حمایت نشده بلکه آزار و شکنجه‌های آنها ادامه پیدا کرده است. گروهی از زنان نیز از خانواده‌های خود جدا و به مناطق دشمن برده شده‌اند که پس از جنگ نیز به زندگی اسارت‌بار خود در آن مناطق ادامه دهند.

تعقیب جرائم علیه زنان در جنگ و حمایت از بزه‌دیدگان

تجاوز جنسی که محور جرائم علیه زنان در طول جنگ‌ها بوده است؛ جرم است. ارتکاب تجاوز می‌تواند جزیی از عنصر مادی جرائم دیگری نظیر شکنجه و آزار و یا نسل‌کشی باشد در این موارد قصد و نیت مرتکب یعنی عنصر معنوی جرم، تعیین‌کننده خواهد بود. به هر حال اقدامات انجام شده علیه زنان در بوسنی و روندا، تحت عناوین فوق‌مورد تعقیب قرار گرفت اما بدلائل مختلف مثل ترس شکات و شاهدان، گستردگی حجم جرائم، عدم دسترسی به مرتکبین و علل دیگر برخورد مؤثری صورت نگرفته است. بعلاوه مجازات مرتکبین ضایعات حاصله را جبران نخواهد کرد. صدمات جسمی، روحی و حیثیتی زنانی که قربانی این اقدامات بوده‌اند، جبران نشده است و آنچه مهمتر است حمایت حقوقی، اجتماعی، معنوی از زنان بزه‌دیده در جنگ است. زنان بی‌پناهی که بدون هیچ‌گناهی در معرض سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفته‌اند و بخاطر زن بودن قربانی شده‌اند.

امروزه در مورد حقوق زنان سخنان زیادی گفته می‌شود و نهضت‌های مختلف فیمینیستی مدعی دفاع از حقوق زنان شده‌اند، در کتب و نشریات و مقالات مطالب مختلفی درخصوص زنان ذکر می‌شود. در مورد حمایت از زنان بزه‌دیده نیز مطالعات زیادی انجام شده و حتی اقدامات حقوقی نیز پایه‌ریزی شده اما وقتی از زنان بزه‌دیده سخن گفته می‌شود توجه مخاطبان بیشتر معطوف

خشونت‌های خانوادگی در جوامع سنتی یا نیمه سنتی یا بزه‌دیدگی زنان در برخی جرائم حیثیتی است و توجهی به زنان بزه دیده از جنگ نمی‌شود. حتی کشورها یا اقوامی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند با دلایلی نظیر خدشه‌وارد شدن به غرور ملی یا قومی سعی در پوشاندن موضوع دارند و اینگونه مطالب در خبرگزاری‌ها و محافل رسمی کمتر مطرح می‌شود. ترس و خجالت بزه‌دیدگان نیز سبب می‌شود خودشان کمتر مطالب را بروز دهند و جامعه نیز سعی دارد مسائل مربوط به جرائم جنسی علیه زنان در جنگ‌ها در تاریخ مطرح شود چرا که آن را نوعی ننگ قلمداد می‌کنند. اما مسائل روندا و بوسنی نشان داد که این موضوع واقعیت دارد و فراموش کردن آن، پوشاندن یک زخم پنهان است که صدمات آن به زنان جامعه خصوصاً زنان بزه‌دیده برمی‌گردد. این زخمی است که باید آن را درمان کرد.

علیرغم جرم قلمداد کردن جرائم جنسی علیه زنان در جنگ‌ها، اما در مورد حمایت از بزه‌دیدگان، پرداخت خسارت به آنها و ترمیم صدمات وارده بطور روشن سخنی گفته نشده است. گرچه سازمانهای بین‌المللی در مورد جبران صدمات ناشی از جنگ‌ها برخی، اقداماتی را انجام می‌دهد و حداقل در ظاهر به زنان و کودکان توجه ویژه‌ای دارند اما هنوز یک کنوانسیون یا بیانیه مستقل برای حمایت از زنان بزه‌دیده که در جنگ‌ها مورد آزار و شکنجه و تعرض قرار گرفته‌اند وجود ندارد و موارد مختلف و متون پراکنده‌ای که در معاهدات بین‌المللی وجود دارد، پاسخگو نیست. لذا بنظر می‌رسد حمایت از زنان بزه‌دیده در جنگ‌ها محتاج توجه بیشتری است. این توجه باید از تمام زوایا باشد یعنی باید در منابع حقوق بین‌الملل کیفری و معاهدات و اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری به جبران خسارات و توجه ویژه به زنان بزه‌دیده از جنگ پرداخته شود.

سازمان ملل و دستگاه‌های مرتبط به آن باید به این موضوع خاص نگاهی نو داشته باشند، از سوی دیگر ملت‌ها، جمعیت‌ها، نهضت‌های بشر دوستانه نیز باید به بزه‌دیده از جنگ توجه بیشتری داشته باشند چرا که آسیب‌پذیرترین قشر بزه‌دیدگان جنایاتی که در خلال حمله‌های نظامی صورت می‌گیرد، زنان هستند.

نتیجه‌گیری

طرح کلی حمایت از زنان بزه‌دیده از جنگ

براساس آنچه گفته شد اقدامات مشروحه ذیل را می‌توان در قالب یک طرح کلی برای حمایت از حقوق زنان بزه‌دیده در جنگ سازماندهی کرد

۱- اقدامات حمایتی حقوقی؛ پیشنهاد یک کنوانسیون مستقل برای حمایت از حقوق زنان در جنگ و جبران خسارت زنان بزه‌دیده در جنگ‌ها.

۲- اقدامات حمایتی مالی؛ تعیین مقرری، پرداخت ضرر و زیان، تأمین هزینه زندگی و مخارج درمان زنانی که در جنگ‌ها دچار آسیب‌های شدید جسمانی و روانی شده‌اند، توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی.

۳- اقدامات حمایتی روانی؛ توانمندسازی و بازپروری زنان آسیب‌دیده از طریق مشاوره، آموزش مهارت‌های زندگی، بالابردن قدرت سازگاری با شرایط موجود، دسترسی به امکانات توانبخشی.

۴- اقدامات حمایتی اجتماعی؛ اطلاع‌رسانی در خصوص مصائب زنان بزه‌دیده در رسانه‌ها، الگوسازی مثبت و تقدیر از زنانی که بخاطر مذهب یا ملیت خود قربانی شده‌اند و پرهیز از برچسب‌زنی منفی بر بزه‌دیدگان این جنایات، کمک به پذیرش این زنان توسط جوامع از طریق عملیات روانی در رسانه‌های گروهی

منابع فارسی

- ۱- ژرار لپز - ژینا فیلیزولا، ترجمه روح الدین کرد علیوند، احمد محمدی، بزهدیده و بزهدیده شناسی، سال ۱۳۷۹، انتشارات مجد
- ۲- به اهتمام: اسحاق آل حبیب، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۳- دکتر حسین میرمحمدصادقی، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، انتشارات نشر میزان.
- ۴- نوروزی نادر، بزهدیده شناسی، مجله دانشگاه علوم انتظامی، سال ۱۳۷۸.

Reference English

- 5-Raphael Lemkin, "Genocide as a Crime Under International
- 1-Raphael Lemkin, "Genocide as a Crime Under International Law", American journal of International Law, 41 (1947) 146.
- 2-G.J. Andreopoulos, Genocide: Conceptual and Historical Dimensions (philadelphia: University of Pennsylvanla Press , 1994) PO.1
- 3-Reservations to the convention on the Prevention and Punishment of the Crime[of Genocide, 1951 I.C.J. 15 (May 28) , Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia & Herz. V . Yogo)(April, 8,1993) (request for provisional medasures) reprinted in 32 I.L.M. 888; (sep. 13/1993) (Order On Further Request for Provisional Measures) reprinted in 32.I.L.M. 1599.
- 4-F. Chalk, "Redefining Genocide" in G.J. Andreopoulos (ed.) Genocide : Conceptual and Historical Dimensions, op. cit., PP.47-63 at pp.50-51.
- 5-Commission of Experts Established pursuant to Security Council Resolution 780 (1992) to Investigate Violations of International Humanitarin Law in the Former Yugoslavia.
- 6-Ch.P. Scherre, justice in Transition & Conflict Prevention in Rwanda after the Genicide (Institute for Research on Ethnicity and Conflict Resolution, 1997) P.14
- 7- Aftermath, Published by Human Fights watch in September 1996, P.14.
- 8- Recueil dinstruments internationaux, Vo1.2 Nations – Unies New York, 1994, p.690.